



Exploring the Components of Development for Designing an Early Childhood Scale Based on the Qur'anic Developmental Framework

Kosar Shirvan¹, Seyed Mohammadreza Rezazadeh², Ahmadrza Okhovat³,
Pardis Takkbiri⁴

¹ Department of Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. shirvankosar@yahoo.com

² Department of Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). rezazade@ut.ac.ir

³ Faculty of Biology, University of Tehran, Tehran, Iran. okhovatnoor@yahoo.com

⁴ Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. pardistakbiri@gmail.com

Abstract

Numerous theories and models have addressed various dimensions of human growth and development; however, developmental psychology still requires comprehensive and integrated frameworks, particularly with an indigenous and Islamic approach that can also encompass the spiritual and existential aspects of the human being. The primary aim of this study is to identify and explicate the essential components of development in the critical and foundational stage of early childhood, derived directly from the Qur'anic developmental framework. This research seeks to provide, through the presentation of these components, a theoretical and holistic foundation for the initial construction of a developmental assessment scale with an Islamic orientation, thereby addressing the existing theoretical gap in this field. To achieve this objective, the qualitative method of the expert panel was employed. In this process, a selection of Qur'anic verses and concepts related to human development was first extracted. Subsequently, the specialized perspectives of a group of prominent scholars in the two fields of Qur'anic studies and developmental psychology were purposefully and systematically gathered and analyzed. This interactive process was designed to achieve consensus on the essential components necessary for the initial construction of a developmental scale. The expert panel approach made it possible to accurately identify and formulate the implicit and specialized dimensions of development from the Qur'anic perspective and to ensure the scientific validity and accuracy of the findings. Based on an in-depth analysis of Qur'anic principles, five core features were identified as the foundations of human development in this period: emotions, speech,

Cite this article: Shirvan, K., Rezazadeh, S.M.R., Okhovat, A.R. & Takkbiri, P. (2023). Exploring the Components of Development for Designing an Early Childhood Scale Based on the Qur'anic Developmental Framework. *Quran and Psychology*, 2(1), p. 7-26.

Received: 2022-12-02 ; **Revised:** 2022-12-22 ; **Accepted:** 2023-01-20 ; **Published online:** 2023-04-04

© The Author(s).

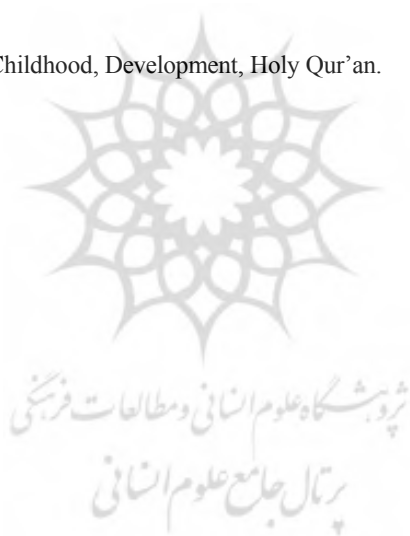
Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



language, senses, and utterance. The main findings of the study indicate that within this framework, language functions as the principal indicator for assessing development in early childhood, since its quality, structure, and content directly reflect the degree of growth in other components, particularly cognitive, emotional, and social development. To accurately evaluate this key component, a seven-stage structure of language was developed and presented, ranging from intonation (the most preliminary level) to attention arousal (the highest aim in this stage), thus providing a practical tool for assessing stages of development. The results of this research demonstrate that the Qur'anic developmental framework possesses significant theoretical capacity to provide a comprehensive and integrated model for explaining various dimensions of human growth from conception to death. This approach can effectively fill the gaps of existing developmental psychology theories, which often neglect spiritual and cultural dimensions. The components identified in this study represent a fundamental step toward the development of indigenous assessment tools compatible with Islamic culture in the field of child development, paving the way for future research and the construction of practical measurement scales in this domain.

Keywords: Early Childhood, Development, Holy Qur'an.





واکاوی مؤلفه‌های رشد جهت تدوین مقیاس دوره اول کودکی مبتنی بر منظومه رشد قرآنی

کوثر شیروان^۱، سید محمدرضا رضازاده^۲، احمدرضا اخوت^۳، پردیس تکبیری^۴

^۱ گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. shirvankosar@yahoo.com

^۲ گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). rezazade@ut.ac.ir

^۳ دانشکده زیست‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. khovatnoor@yahoo.com

^۴ گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. pardistakbiri@gmail.com

چکیده

نظریه‌ها و مدل‌های متعددی به تبیین ابعاد مختلف رشد و تحول انسان پرداخته‌اند، اما روان‌شناسی رشد همچنان نیازمند چارچوب‌های یکپارچه و جامع، به‌ویژه با رویکرد بومی و اسلامی است که بتواند ابعاد معنوی و وجودی انسان را نیز در نظر بگیرد. هدف اصلی این پژوهش، استخراج و تبیین مؤلفه‌های اساسی رشد در دوره حساس و بنیادین اول کودکی است که مستقیماً از منظومه رشد قرآنی استنباط شده‌اند. این تحقیق درصدد آن است تا با ارائه این مؤلفه‌ها، مبنایی نظری و جامع برای ساخت اولیه یک مقیاس سنجش رشد با رویکرد اسلامی فراهم آورد و به این ترتیب، به خلأ نظری موجود در این حوزه پاسخ دهد. برای دستیابی به این هدف، از روش کیفی پنل نخبگانی استفاده شد. در این فرآیند، ابتدا گزیده‌ای از آیات و مفاهیم قرآنی مرتبط با رشد انسان استخراج گردید. سپس، دیدگاه‌های تخصصی جمعی از صاحب‌نظران برجسته در دو حوزه علوم قرآنی و روان‌شناسی رشد، به‌صورت هدفمند و نظام‌مند جمع‌آوری و تحلیل شد. این فرآیند تعاملی با هدف دستیابی به اجماع بر روی مؤلفه‌های ضروری برای ساخت اولیه مقیاس رشد طراحی شد. رویکرد پنل نخبگانی این امکان را فراهم آورد تا ابعاد پنهان و تخصصی رشد از منظر قرآن به دقت شناسایی و تدوین گردند و از اعتبار و دقت علمی یافته‌ها اطمینان حاصل شود. براساس تحلیل عمیق مبانی قرآنی، پنج ویژگی اصلی به عنوان زیربنای رشد انسان در این دوره شناسایی شدند که عبارتند از: عواطف، نطق، کلام، حواس و قول. یافته‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که در این منظومه، کلام به عنوان شاخص اصلی ارزیابی رشد در دوره اول کودکی عمل می‌کند؛ زیرا کیفیت، ساختار و محتوای آن به طور مستقیم بازتاب‌دهنده میزان رشد سایر مؤلفه‌ها، به‌ویژه رشد شناختی، هیجانی و اجتماعی است. به منظور ارزیابی دقیق این مؤلفه کلیدی، ساختار هفت مرحله‌ای کلام از لحن (مقدماتی‌ترین سطح) تا برانگیختن توجه (به عنوان عالی‌ترین غایت در این دوره) تدوین و ارائه شده است که ابزاری عملی برای سنجش مراحل رشد فراهم می‌آورد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که منظومه رشد قرآنی، ظرفیت نظری

پژوهش حاضر برگرفته از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان: **ساخت و اعتباریابی مقیاس دوره اول رشد مبتنی بر منظومه رشد قرآنی** است.

استناد به این مقاله: شیروان، کوثر؛ رضازاده، سید محمدرضا؛ اخوت، احمدرضا؛ تکبیری، پردیس (۱۴۰۲). واکاوی مؤلفه‌های رشد جهت تدوین مقیاس دوره

اول کودکی مبتنی بر منظومه رشد قرآنی. *قرآن و روانشناسی*، ۱۲(۱)، ص ۷-۲۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



بالایی برای ارائه یک چارچوب جامع و یکپارچه در تبیین ابعاد مختلف رشد انسان از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ دارد. این رویکرد می‌تواند خلأ نظریه‌های موجود در زمینه روان‌شناسی رشد را که اغلب فاقد ابعاد معنوی و فرهنگی هستند، به طور مؤثری پر کند. مؤلفه‌های استخراج شده در این پژوهش، گامی مهم و بنیادین در جهت توسعه ابزارهای سنجش بومی و متناسب با فرهنگ اسلامی در حوزه رشد کودک محسوب می‌شوند و راه را برای تحقیقات آتی و ساخت مقیاس‌های کاربردی در این زمینه هموار می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: دوره اول کودکی، رشد، قرآن کریم.



۱. مقدمه

دوره کودکی، یکی از حیاتی‌ترین مراحل در مسیر رشد انسان به‌شمار می‌رود و توجه به آن، از وظایف مهم جوامع برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر است. سازمان بهداشت جهانی^۱ گزارش کرده که با وجود کاهش ۵۰ درصدی مرگ‌ومیر کودکان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷، همچنان چالش‌های قابل توجهی برای دستیابی به شاخص‌های مطلوب بهزیستی کودکان وجود دارد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۱). برخورداری از محیطی باثبات، تغذیه کافی و فرصت‌های مناسب برای رشد و یادگیری، از حقوق اولیه هر کودک محسوب می‌شود. با این حال، تخمین زده می‌شود که ۱۵ تا ۲۰ درصد کودکان در طول زندگی خود اختلالات عاطفی و رفتاری را تجربه می‌کنند (ساکو و همکاران، ۲۰۲۴^۲). در ایران نیز شیوع اختلالات رفتاری کودکان ۲۳ درصد گزارش شده است (محمدری و همکاران، ۱۳۹۷). مشکلات دوران کودکی می‌تواند در تعداد چشمگیری از افراد تا بزرگسالی نیز ادامه یابد و پیامدهای منفی پایداری بر زندگی خانوادگی، شغلی و سازگاری اجتماعی فرد به‌همراه داشته باشد (جویری و همکاران، ۲۰۲۲^۳). روانشناسی رشد، به مطالعه ثبات و تغییرات در طول عمر فرد می‌پردازد و روانشناسان رشد می‌کوشند به پرسش‌هایی نظیر «چه چیزی رشد می‌کند؟»، «تغییرات چگونه محقق می‌شوند؟» و «چه مفهومی از انسان مد نظر است؟» پاسخ دهند. با این حال، پاسخ‌های آنها به این پرسش‌ها گاهی به تضاد می‌انجامد، که نشان‌دهنده وجود اختلاف‌نظرهایی درباره پیش‌فرض‌های اولیه رشد است (کادیروا، ۲۰۲۴^۴). هریک از نظریات کلان رشدی، بر حوزه‌های خاصی تمرکز کرده‌اند؛ برای مثال، رویکردهای روان‌تحلیلی و بافتی به رشد اجتماعی و هیجانی پرداخته‌اند. نظریه شناختی پیازه، پردازش اطلاعات، و نظریه اجتماعی-فرهنگی و یگوتسکی بر تغییرات تفکر تأکید نموده‌اند. همچنین، رویکردهای تکاملی، رفتارگرایی و یادگیری اجتماعی، نظریه زیست‌بوم‌شناختی و دیدگاه عمر، به عملکردهای مختلف انسان توجه کرده‌اند. در حال حاضر، به‌دلیل کامل نبودن هیچ‌یک از این نظریات، اغلب به‌صورت التقاطی از آنها استفاده می‌شود (میلر^۵، ۲۰۲۲). این در حالی است که هریک از نظریات رشدی، خاستگاه فلسفی متفاوتی دارند و استفاده التقاطی از آنها، ممکن است پیامد مطلوبی در پی نداشته باشد. روانشناسی رشد معاصر، این مسئله را به رسمیت می‌شناسد که پیشرفت‌های علمی نیازمند سیستم‌های مفهومی، نظریات و روش‌های جدیدی است؛ تا بتواند به‌صورت یکپارچه، ماهیت پیچیده عملکرد فردی و رشد را تبیین کند (اورتون و مولنار^۶، ۲۰۱۵).

1. WHO
2. Sacco
3. Juwariah
4. Qodirova
5. Miller
6. Overton & Molenaar

در این میان، مبانی دین اسلام می‌تواند چارچوبی وحدت‌بخش ارائه کند که براساس آن بتوان قواعد مربوط به رشد و تحول انسان را کشف کرده و چشم‌اندازی نوین در روانشناسی رشد ترسیم نمود. پژوهشگرانی نظیر قائمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، مراحل تحول براساس منابع اسلامی را بررسی کرده‌اند که مقاطع زندگی انسان را بر پایه آیات و روایات نشان می‌دهد. این موضوع در حالی است که تاکنون، ارزیابی رشدی کودکان اغلب بر ابعادی نظیر زبان دریافتی و بیانی، مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف، مهارت‌های خودیاری و شناختی متمرکز بوده است (ویسودانینگیسه^۱، ۲۰۲۴). با وجود چک‌لیست‌ها، پرسشنامه‌ها و آزمون‌های مختلفی که برای ارزیابی رشد کودکان در ابعاد گوناگون ساخته شده‌اند، متأسفانه به دلیل اینکه اکثر این مقیاس‌ها در کشورهای غربی ساخته شده‌اند و از نظر فرهنگی و بافتی تفاوت زیادی با سایر کشورها دارند (آتین و همکاران^۲، ۲۰۲۴)، مقیاس مناسبی برای سنجش رشد کودکان براساس مبانی اسلامی وجود ندارد. نکته بااهمیت‌تر این است که بسیاری از ابزارها و مقیاس‌های موجود، نیاز به اجرا توسط متخصص دارند و ابزار مناسبی که به راحتی توسط والدین و مربیان مورد استفاده قرار گیرد، در دسترس نیست.

منظومه رشد قرآنی، که طی چندین پژوهش از طریق روش‌های تدبیر در قرآن و براساس سری ۱۰جلدی «روش‌های تدبیر در قرآن کریم» (اخوت، ۱۳۹۲) تدوین شده، یک مدل نظری جدید است که با رویکردی روشمند از قرآن و روایات اهل بیت (ع) استخراج شده است. مفهوم رشد در قرآن از مفهوم متداول آن در علم، بسیار گسترده‌تر است و می‌توان آن را با دو واژه رشد و بلوغ بررسی نمود. واژه «رشد» در قرآن ابعاد غیرمادی داشته، در حالی که واژه «بلوغ» به مفهوم رشد در روانشناسی نزدیک‌تر است. بلوغ در لغت به معنای رسیدن به انتهای حد زمانی است که برای چیزی در نظر گرفته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸). در قرآن، بلوغ به معنای رسیدن به حدی از توانمندی جسمی است که فرد در آن توان انجام کاری را به صورت خودجوش یافته است. در واقع، رشد با بُعد فطری و بلوغ با بُعد طبیعی انسان سروکار دارد و می‌توان آن را طی کردن رشد فطری در بستر رشد طبیعی در نظر گرفت. بنابراین، رشد از دیدگاه قرآن را می‌توان این گونه تعریف نمود: «دریافت هدایت و نفع حقیقی که در اثر قرار گرفتن فرد در مسیر درست زندگی است و در مقابل «غی» بوده؛ به این معنا که فرد در مسیر غیرفطری قرار گرفته که نتیجه پیمودن مسیر خلاف و باطل است». با استفاده از دوره‌های بلوغ طبیعی و مراتب رشد، می‌توان زندگی پیوسته و یکپارچه انسان را دارای مقاطع مختلف دانست. آگاهی از ویژگی‌های هر مقطع، امکان برنامه‌ریزی و ارزیابی را به انسان می‌دهد و این خود از نعمت‌های خاص الهی به انسان است که می‌تواند دوره‌های بلوغ و مراتب رشد خود را فهم نموده و به وسیله آن، در جهت برنامه‌ریزی رشد خود و دیگران تلاش کند

1. Wisudaningsih

2. Atin

(اخوت، ۱۳۹۳). دوره اول رشد، همزمان با دوره کودکی است و منظور از کودک در این پژوهش، کلمه «طفل» در قرآن است که به قبل از فعال شدن توان‌های جنسی در انسان که با نوعی بلوغ و داشتن تکلیف شرعی مقارن است، اشاره دارد (اخوت و ادیب، ۱۳۹۸ ب؛ نور، ۵۹). اهمیت این دوره تا آنجا است که آموزه‌های قرآنی به آن توجه و اهتمام خاصی نشان می‌دهد؛ زیرا آینده هر شخص به دوران کودکی او وابسته است. نداشتن تصویر درست از این دوره و همچنین، اعمال آموزش‌ها و تربیت‌های نامناسب در این زمان منجر به آسیب‌های جدی به کودک می‌شود. لذا، پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت عینی‌سازی مفاهیم دوره اول رشد، هدف تبیین و تدقیق مؤلفه‌های این دوره را براساس منظومه رشد قرآنی و مشخص کردن ابعاد هر مؤلفه دنبال می‌کند.

۲. روش پژوهش

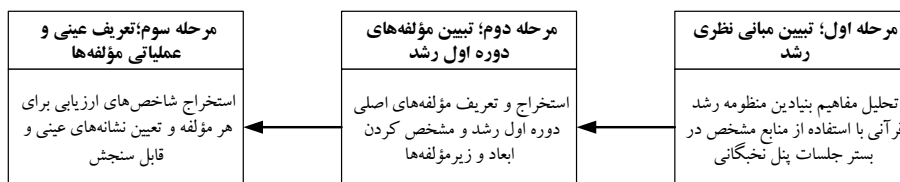
پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، کیفی است؛ که به دنبال استخراج مؤلفه‌های رشد دوره اول کودکی از منظومه رشد قرآنی بوده است. برای دستیابی به این هدف، از روش پنل نخبگانی^۱ استفاده شد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت پیچیده و بین‌رشته‌ای موضوع، یعنی نیاز به تلفیق دانش عمیق در علوم قرآنی و روانشناسی رشد، و ضرورت دستیابی به اجماع نظر متخصصان در حوزه‌ای نوظهور و کمتر پرداخته شده، صورت گرفت. روش پنل نخبگانی، رویکردی کیفی و تحلیلی است که برای کسب بینش‌های عمیق و تخصصی در زمینه‌های پیچیده، نوظهور و دارای ابعاد چندگانه به کار می‌رود (اوکولی و پاولوفسکی، ۲۰۰۴).^۲ این روش، شامل گردآوری و بهره‌گیری از دانش و قضاوت گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران برجسته در یک حوزه خاص است. هدف اصلی پنل نخبگانی، دستیابی به اجماع نظر،^۳ شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، پیش‌بینی روندهای آتی یا اعتبارسنجی مفاهیم است (اسکولمسکی، هارتمن و کران، ۲۰۰۷).^۴ در پژوهش‌هایی نظیر مطالعه حاضر که هدف آن استخراج مؤلفه‌های رشد دوره اول کودکی از منظومه رشد قرآنی است، پنل نخبگانی، ابزاری ضروری محسوب می‌شود. این روش امکان می‌دهد تا متخصصانی با دانش عمیق در علوم قرآنی و روانشناسی رشد، با تبادل نظر و تحلیل دقیق متون دینی، به کشف و تدوین ابعاد پنهان و کمتر پرداخته شده رشد بپردازند. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، از رویکرد کیفی بهره گرفته و شامل سه مرحله اصلی بود که با هدف استخراج و اعتبارسنجی مؤلفه‌های رشد دوره اول مبتنی بر منظومه رشد قرآنی انجام شد.

1. Expert Panel

2. Okoli & Pawlowski

3. Consensus

4. Skulmoski, Hartman & Krahn



نمودار ۱- مراحل گردآوری داده‌ها

این مراحل از طریق بررسی مبانی نظری و برگزاری جلسات متمرکز با حضور پنج نفر از متخصصان علوم قرآنی و چهار نفر متخصص روانشناسی صورت پذیرفت:

(۱) **تبیین مبانی نظری رشد براساس منظومه رشد قرآنی:** در بخش اول، مفاهیم بنیادین منظومه رشد قرآنی با محوریت کتب دوره اول رشد، طی جلساتی متشکل از روانشناسان و پژوهشگران علوم قرآنی مسلط به این نظریه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱- کتب دوره اول رشد

عنوان کتاب	نویسنده(گان)	سال انتشار
جلد اول کتب دوره‌های رشد تفکر اجتماعی؛ پیش از تولد تا تکلم	احمد رضا اخوت	۱۳۹۲
معناشناسی طیب و خبیث	احمد رضا اخوت و هانی چیت‌چیان	۱۳۹۳
فرآیندشناسی طیب	احمد رضا اخوت و مریم قاسمی	۱۳۹۳
اصول و مهارت‌های تربیت کودک؛ با رویکرد طیب‌گزینی	فاطمه فیاض و احمد رضا اخوت	۱۳۹۵
با کودکان خود طیب سخن بگوئیم	احمد رضا اخوت	۱۳۹۶
سند تربیت کودک طیب	احمد رضا اخوت و مریم ادیب	۱۳۹۸

(۲) **تبیین مؤلفه‌های دوره اول رشد:** در مرحله دوم، پس از تبیین مبانی نظری، جلسات تخصصی با حضور همین گروه از نخبگان ادامه یافت. در این جلسات، مؤلفه‌های اصلی دوره اول رشد براساس آموزه‌های قرآنی تعریف و ابعاد و زیرمؤلفه‌های هریک، به دقت مشخص و تدوین شدند.

(۳) **تعریف عینی و عملیاتی مؤلفه‌ها:** در گام پایانی، شاخص‌های ارزیابی برای هر مؤلفه از دوره اول رشد استخراج گردید. همچنین، نشانه‌های عینی و عملیاتی برای سنجش هریک از این مؤلفه‌ها تعیین شد؛ تا امکان تبدیل مفاهیم نظری به ابزارهای قابل اندازه‌گیری فراهم آید.

به‌منظور اعتبارسنجی یافته‌ها و جلوگیری از سوگیری ذهنی پژوهشگر، تمامی مراحل فوق تحت نظارت مستقیم مؤلف اصلی منظومه رشد قرآنی و سایر روانشناسان و متخصصین مسلط به این نظریه انجام گرفت. این نظارت مستمر و مشارکت گروهی متخصصان، به‌عنوان بخشی از روایی محتوایی پژوهش، به افزایش دقت و اعتبار علمی نتایج کمک شایانی کرد.

۳. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های اصلی پژوهش که شامل ویژگی‌های رشد از منظر قرآن کریم، مؤلفه‌های استخراج‌شده برای دوره اول رشد، غایات این مؤلفه‌ها در پایان دوره (۵-۷ سالگی) و نحوه ارزیابی آنها براساس ساختار کلام است، ارائه می‌گردد.

۳-۱. ویژگی‌های رشد در قرآن کریم

براساس تحلیل مبانی منظومه رشد قرآنی، پنج ویژگی کلیدی برای رشد در قرآن کریم شناسایی شد که زیربنای استخراج مؤلفه‌ها و غایات دوره اول رشد را تشکیل می‌دهند:

(۱) «رشد» به‌مثابه دریافت هدایت و نفع حقیقی: رشد در منطق قرآنی، فراتر از تغییرات کمی یا کیفی صرف، به‌معنای قرار گرفتن فرد در مسیر صحیح زندگی است که به دریافت هدایت و منفعت حقیقی می‌انجامد. در مقابل، «غی» قرار دارد که به‌معنای قرار گرفتن در مسیر غیرفطری و باطل، و تبعات منفی حاصل از آن است.

(۲) جایگاه مراحل بلوغ و رشد کودک: مراحل بلوغ و رشد کودک در ذیل چارچوب کلی‌تر مراحل بلوغ و مراتب رشد انسان در منظومه قرآنی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۳) وابستگی رشد به وجود ولی و سرپرست: تحقق رشد و شکوفایی توانمندی‌ها در کودک، منوط به داشتن ولی و سرپرست (والدین/مربیان) است که مسیر هدایت و رشد را برای او فراهم آورند.

(۴) غایت‌مندی شکوفایی توان‌ها: شکوفایی توانمندی‌ها در کودک هدفمند بوده و غایت آن، دستیابی به نفع حقیقی است. این نفع حقیقی در منطق قرآن شامل شکوفایی تفکر، رجوع به عقل، ذکر، رحمت، تقوا، هدایت، فلاح و شکر است.

(۵) نقش ولی در سوق دادن به شکر: ولی و سرپرست مسئولیت دارد که کودک را به‌سمت شکر (بهره‌مندی صحیح از توانایی‌های درونی و امکانات بیرونی) سوق دهد.

۳-۲. مؤلفه‌های دوره اول رشد

براساس ویژگی‌های فوق و با بهره‌گیری از روش پنل نخبگانی، پنج مؤلفه اصلی برای رشد در دوره اول کودکی (معادل کلمه «طفل» در قرآن) استخراج و تعریف مفهومی هریک در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- مؤلفه‌های دوره اول رشد

مؤلفه‌ها	تعریف مفهومی
احساس امنیت نسبت به محیط پیرامون و دیگران که موجب شکل‌گیری رفتارهای عواطف	آرام و بدون تنش و همراه با نشاط شده که نشان‌دهنده میزان دریافت محبت و عواطف از والدین است.

مؤلفه‌ها	تعریف مفهومی
نطق (ابراز بیرونی)	ابراز هیجانات، باورها و رفتارها به محیط بیرون است.
کلام	گفتگو و برقراری ارتباط از جانب متکلمی به مخاطبی با قصدی مشخص که گاهی می‌تواند با گفتار همراه باشد و گاهی غیرگفتاری باشد.
حواس	منظور از حواس، حواس پنج‌گانه اعم از دیدن، شنیدن، چشایی، بویایی و لامسه است.
قول (تعاریف و گزاره‌های ذهنی)	تعاریف ذهنی موجود در ذهن فرد نسبت به خود خدا و دیگران یا هستی و در واقع نظام باوری، اعتقادی و نگرشی که در فرد وجود دارد و ممکن است اظهار شود یا خیر.

۳-۳. غایت‌های مؤلفه‌های دوره اول رشد در انتهای دوره (۵-۷ سالگی)

براساس منظومه رشد قرآنی، کودک در انتهای دوره اول رشد (حدود ۵ تا ۷ سالگی) می‌بایست به توانمندی‌های زیر در هریک از مؤلفه‌ها دست یابد:

۳-۳-۱. عواطف

اعتماد و امنیت: کودک باید نسبت به محیط پیرامون و دیگران احساس امنیت داشته باشد و در برابر واکنش‌های والدین، اطمینان خاطر از خود نشان دهد. عدم بدبینی یا تردید نسبت به محیط و توانایی ابراز عواطف مثبت نسبت به دیگران، از نشانه‌های این بخش است.

تعلق و وابستگی: وابستگی کودک به والدین در ابتدا زیاد و سپس به تدریج کاهش یابد تا در انجام کارهای شخصی‌اش به دیگران نیازمند نباشد.

بروز رفتاری: کودک به واسطه دریافت محبت فراوان، آرام و بدون تنش، با نشاط و پرتحرک باشد. علانم نگرانی و اضطراب در او مشاهده نشود و از بازی کردن با والدین لذت ببرد.

۳-۳-۲. نطق (ابراز بیرونی)

کودک باید در انتهای این دوره، نیازها و خواسته‌های درونی خود را فهمیده و به صورت شایسته و «طیب» به بیرون ابراز کند. همچنین، توانایی فهم خواسته‌ها و نطق دیگران را داشته باشد. نشانه‌های ارزیابی نطق عبارتند از:

ظرفیت آگاهی و کنترل هیجان‌ها و بروزات: توانایی آگاهی و مدیریت هیجانات درونی در کودک شکل گرفته و گرایش به ابراز مطلوب هیجانات منفی داشته باشد. نسبت به نفع و ضررهای شناخته شده واکنش مطلوب نشان دهد و بدون اضطراب، نیازها و خواسته‌های خود را ابراز کند. شتاب‌زدگی و لجبازی در او کاهش یابد.

توجه به بروزات و نطق دیگران (نطق‌شناسی): کودک قادر به شناخت نطق و بروزات دیگران باشد و متناسب با حالات و نیازهای آنان، به خواسته‌هایشان احترام بگذارد.

ظرفیت بهره‌گیری از انواع نطق: کودک باید توانایی استفاده از انواع نطق را داشته باشد:

- ♦ **نطق جبلی:** ابراز هیجاناتی نظیر شادی، خشم، غم و تعجب به صورت طبیعی.
- ♦ **نطق حالی:** ابراز احساسات از طریق حالات چهره.
- ♦ **نطق کلامی:** استفاده از کلام برای ابراز.
- ♦ **نطق تلفیقی:** توانایی ابراز همزمان کلامی و غیرکلامی خواسته‌ها.
- ♦ **نطق تعلیمی:** توانایی ابراز مطلب پس از آموزش و پاسخگویی به سؤالات مربوط به آن (مانند پاسخ به سؤالات داستان شنیده شده).

۳-۳-۳. کلام

کودک باید توانایی به کار بردن کلام و کلمات در قالب، لحن و واژگان «طیب» را برای رسیدن به غرض داشته باشد. نشانه‌های ارزیابی کلام عبارتند از:

توان به کار بردن کلام: کلام کودک قابل فهم باشد و توانایی انتقال منظور خود را داشته باشد. امکان آموختن کلام، حفظ شعر یا سوره و گسترش گنجینه لغات در او مشاهده شود. میل به خواندن و نوشتن در او فعال گردد.

واژگان طیب: دارای مجموعه واژگان «طیب» کافی برای بیان منظورش باشد و از کلمات نامطلوب و ناشایست پرهیز کند، حتی در هنگام عصبانیت.

لحن: توانایی به کار بردن لحن متناسب با مقصود خود را داشته باشد و از لحن سرزنش‌گرانه و تند پرهیز کند. آهنگ کلام را به خوبی درک کرده و نسبت به شعر و آهنگ آن واکنش متفاوتی نشان دهد.

توان برقراری ارتباط: توانایی ارتباط‌گیری و هم‌کلام شدن با دیگران را داشته باشد. در رفت‌وآمد با نزدیکان و محارم، صمیمی و راحت بوده و به راحتی در جمع صحبت کند یا شعر و قصه تعریف کند.

مقصدگزینی: قادر به چینش کلمات با توجه به مقصد و منظور خود باشد و بتواند مقاصد خود را با دیگران در میان بگذارد. توانایی تعریف پیوسته و منظم یک اتفاق و یا توصیف ویژگی‌های ظاهری اشیاء را داشته باشد. قادر به تصمیم‌گیری مستقل برای کارهای ساده و ارائه راه‌حل برای مشکلات باشد.

۳-۳-۴. حواس

کودک باید نسبت به دیدنی‌ها و شنیدنی‌های طیب میل نشان دهد، از خوردنی‌های مضر پرهیز و به خوردنی‌های مفید تمایل داشته باشد. تمایل به طهارت ظاهری و تمیزی خود را نشان دهد (مثلاً از کثیف بودن دست و صورت آزرده شود). به استشمام بو و رایحه‌های طیب تمایل داشته باشد و امکان کسب تجربیات جدید در بسترهای طیب و بدون خطر را در فضایی آزاد داشته باشد.

۳-۳-۵. قول (تعاریف و گزاره‌های ذهنی)

کودک باید احساس آزادی برآمده از بزرگی داشته باشد و احساس حقارت نکند. توانایی تکریم دیگران با

ابراز عواطف، گفت‌وگو و احترام را کسب کند. ضرورت اجازه گرفتن در برخی مسائل را درک کرده و خود را به آن ملزم نماید (مانند اجازه گرفتن هنگام ورود به اتاق دیگران یا استفاده از وسایل آنها).

جدول ۳- غایت‌های مؤلفه‌های دوره اول رشد در انتهای دوره

مؤلفه	شاخص‌های توانمندی	نمونه نشانه‌های ارزیابی
عواطف	- احساس امنیت و اعتماد نسبت به والدین و محیط - کاهش تدریجی وابستگی - بروز هیجانی مثبت و نشاط	- عدم اضطراب و نگرانی - توان لذت بردن از تعامل با والدین - انرژی و آرامش رفتاری
نطق (ابراز بیرونی)	- ابراز مناسب نیازها و احساسات - توانایی شناخت و احترام به نطق دیگران - تسلط بر انواع نطق (جلی، حالی، کلامی، تلقیقی، تعلیمی)	- مدیریت هیجانات - کاهش لجبازی - واکنش متناسب به نیازهای دیگران
کلام	- استفاده از واژگان «طی» - انتقال مؤثر منظور با جملات قابل فهم - میل به یادگیری شعر یا متن قرآنی - برقراری ارتباط مؤثر با اطرافیان	- اجتناب از واژگان و لحن نامطلوب - تعریف منظم اتفاقات - شرکت فعال در گفتگوها
حواس	- تمایل به تجربه‌های طیب (دیدنی، شنیدنی، خوردنی، بویایی، لمس) - پرهیز از موارد مضّر - علاقه به پاکیزگی	- واکنش منفی به کثیفی و آلودگی - استقبال از بوی خوب - میل به خوردنی‌های مفید
قول (تعریف ذهنی)	- احساس عزّت نفس و آزادی - تکریم دیگران و رعایت احترام - درک مسئولیت و ضرورت اجازه گرفتن	- اجتناب از احساس حقارت - درخواست اجازه در موقعیت‌های لازم - ابراز احترام در گفتار و رفتار

۳-۴. کلام به عنوان شاخص ارزیابی دوره اول رشد

براساس منظومه رشد قرآنی، کلام به عنوان شاخص اصلی رشد در دوره اول (کودکی) تعیین شده است. این بدان معنا است که میزان و درجه رشد سایر مؤلفه‌ها (حواس، ادراکات، عواطف، نطق و قول) براساس کیفیت و ویژگی‌های کلام کودک قابل ارزیابی است. «کلام» در اینجا معنای عام دارد و صرفاً به تکلم محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل مجموعه گفتارها و رفتارهایی است که با غرض مشخصی به مخاطب منتقل می‌شوند. در واقع، کلام نماینده باورها، دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، دوست‌داشتنی‌ها و تعاریف ذهنی فرد است.

۳-۴-۱. ساختار کلام

ساختار کلام براساس منظومه قرآنی دارای ویژگی‌های متمایزکننده‌ای است. کلام در حالت ابتدایی از اسم ساخته می‌شود و با ارتقای توان کلامی، از اسم، فعل و حرف تشکیل می‌گردد؛ که محتوای کلام از این طریق به مخاطب منتقل می‌شود. کلام با عطف به کلام دیگر گسترش می‌یابد و امکان فصل‌بندی نیز به‌وجود می‌آید. هر بخش از کلام می‌تواند جهت مثبت و منفی داشته باشد، به بلوغ برسد و با انواع تأکید

برای برانگیختن و انتقال توجه همراه شده و در القای خود کمال یابد.

ساختار شکل‌گیری کلام را می‌توان به هفت مرحله تقسیم‌بندی نمود: لحن، کلمه، قید، کلام، فصل، شرط، برانگیختن و انتقال توجه.

۳-۴-۲. ارزیابی مؤلفه‌های دوره اول رشد براساس ساختار کلام

از آنجایی که کلام، شاخص ارزیابی اصلی در دوره اول رشد است، می‌توان مؤلفه‌های رشدی این دوره را براساس مراحل ساختار کلام مورد مشاهده و ارزیابی قرار داد:

♦ **القا و لحن:** القاء، پیامی است که در رویارویی با فرد دیگر منتقل می‌شود و لحن، شیوه القاء از طریق کلام است. از طریق القاء و لحن می‌توان نطق و عواطف کودک را ارزیابی کرد که باید مثبت، طیب و کریمانه باشد.

♦ **اسم و کلمه:** اسم و کلمه، شنیدن و دیدن کودک را فعال کرده و منجر به تقویت سایر حواس می‌شود. اسم و کلمه، میزان فعال شدن حواس را نشان می‌دهد.

♦ **حرف و قید:** شکل‌گیری مفاهیم مربوط به «حدود طیب» (محدودیت‌ها و مرزهای فطری) با حرف و قید صورت می‌گیرد و از این طریق می‌توان قول (گزاره‌های ذهنی) کودک را ارزیابی نمود. این شامل:

- **سببیت و وساطت:** درک اینکه هرکاری به تأمین اسباب نیاز دارد و هیچ‌چیز خودبه‌خود محقق نمی‌شود. کودک در ابتدا سبب‌ها را به اشیاء بیرونی نسبت می‌دهد، و با رشد خودآگاهی به خود نسبت می‌دهد.

- **تعلق و مالکیت:** فهم نسبت بین اشیاء و اشخاص و خویش‌تنداری نسبت به آنچه به او تعلق ندارد. توانایی رها کردن آنچه به آن وابسته است.

- **مفهوم موقعیت:** آشنایی با محدودیت‌های زمانی و مکانی و درک اینکه چه کارهایی در چه مکان‌ها و زمان‌هایی باید یا نباید انجام شود.

- **مفهوم تمایز:** تقویت علم در کودک از طریق افزایش شنیدن‌ها و دیدن‌ها که منجر به تمایز دیدن اشیاء و موضوعات می‌گردد. هرچه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها افزایش یابد، قدرت تمایز او بیشتر می‌شود.

♦ **فعل:** منظور از فعل، رخ‌دادن و انجام کاری در زمان است. فهم زمان منجر به فعال‌شدن توان مدیریت در کودک می‌شود. ارزیابی فعل، میزان مواجهه کودک با افعال «طیب» (پاک و فطری) را نشان می‌دهد.

♦ **عطف و فصل:** عطف به معنای پیوند دادن و اتصال دو یا چند کلمه، جمله یا کلام است. فصل نیز زمانی رخ می‌دهد که سخن گفتن به کلام‌های متنوع جدا از هم و در عین حال مرتبط به هم نیاز داشته باشد. خوب سخن گفتن و جمله‌سازی‌های کامل از نشانه‌های رشد تفکر در این دوره است؛ بدین معنا که

کودک بتواند براساس غرض مشخصی، از شاخه‌ای به شاخه دیگر به صورت مرتبط حرکت کرده و مطالبش را سامان دهد.

✦ **جهت و شرط:** فهم جهت (درک وجود و عدم اشیاء) و شرط و توان به کارگیری آن به معنای شکل‌گیری گزاره‌هایی در درون کودک است. هر قدر کودک بتواند از جملات شرط بیشتری بهره‌مند شود، باورهای او (اعتماد به شدن یا نشدن کارها) بیشتر می‌شود و می‌فهمد که در پس هر اتفاقی، اتفاق دیگری نهفته است.

✦ **برانگیختن و انتقال توجه:** فعال‌شدن توجه کودک، هوشیاری را در او فعال کرده و منجر به ارتقاء سایر توان‌های او می‌شود. این توان، امکان مدیریت خود و دیگران را به انسان می‌دهد، بدین معنا که کودک نسبت به تأکیدها، تویخ‌ها و هوشیارسازها واکنش مثبت نشان می‌دهد.

۴. نتیجه‌گیری

دوران کودکی، به گواه آیات و روایات و بسیاری از پژوهش‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت و سعادتمندی آتی افراد دارد. بی‌توجهی به ویژگی‌های رشد در این دوره، غفلت از کودک و اعمال روش‌های نادرست تربیتی، می‌تواند تعادل او را برهم زده و زندگی مادی و معنوی‌اش را به خطر اندازد. والدین بی‌توجه به وضعیت رشد فرزندان خود، ناخواسته آنها را با چالش‌ها و اختلالات مختلفی روبه‌رو می‌سازند. هدف این پژوهش، استخراج و تبیین مؤلفه‌های اساسی رشد در دوره اول کودکی (۰ تا ۷ سالگی) بر مبنای منظومه رشد قرآنی بود؛ تا مبنایی جامع برای ساخت اولیه یک مقیاس سنجش رشد با رویکرد اسلامی فراهم آید. برای نیل به این هدف، از روش پنل نخبگانی متشکل از متخصصان حوزه علوم قرآنی و روانشناسی رشد استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که براساس منظومه رشد قرآنی، دوره کودکی به عنوان دوره اول رشد اجتماعی انسان معرفی می‌شود. مؤلفه‌های کلیدی رشد در این دوره شامل حواس، ادراکات، عواطف، نطق (هروژات)، قول (باورها و تعاریف ثبت شده در ذهن) و کلام است. این پژوهش تبیین می‌کند که تقویت عواطف به فعال‌شدن ذکر در کودک می‌انجامد؛ در حالی که تقویت حواس، تعلیم کلام و تأدیب نطق (کنترل هیجان‌ها) منجر به فعال‌شدن تفکر او می‌گردد. همچنین، با تقویت ذکر و تفکر و شکل‌گیری قول طیب (ایجاد گزاره‌های صحیح برای رجوع در زندگی)، عقل کودک نیز تقویت می‌شود (اخوت و ادیب، ۱۳۹۸ ب).

یکی از مهم‌ترین و نوآورانه‌ترین نتایج این پژوهش، معرفی کلام به عنوان شاخص اصلی رشد در دوره اول (کودکی) از منظر منظومه رشد قرآنی است. این رویکرد، تفاوت بنیادینی با ابزارهای ارزیابی موجود ایجاد می‌کند. کلام در اینجا صرفاً ابزاری برای تکلم نیست؛ بلکه به عنوان یک نماینده جامع از تمامی ابعاد رشدی کودک (باورها، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، دوست‌داشتنی‌ها و تعاریف ذهنی) عمل می‌کند.

ارزیابی ساختار کلام کودک، در قضاوت رشد او در ابعاد شناختی، هیجانی، حواس و رفتار، بسیار مؤثر است. نکتهٔ محوری، این است که کلام طیب را می‌توان به اشکال مختلف به کودک آموزش داد؛ که این امر به والدین اجازه می‌دهد با اهتمام بر کلام طیب خود و انتقال آن به کودک، نقش مهمی در فعال‌شدن حواس و عواطف، مدیریت نطق و بروزات، شکل‌گیری باورها و قول طیب و فعال‌شدن تفکر کودک ایفا کنند. نتایج حاصل از این پژوهش، ابعاد جدیدی از مفهوم رشد را فراتر از نظریه‌های متداول غربی مطرح می‌سازد. در حالی‌که روانشناسی رشد غربی بر ابعاد جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی تمرکز دارد (برک، ۲۰۱۸) و عمدتاً از مدل‌های التقاطی استفاده می‌کند؛ منظومهٔ رشد قرآنی، رویکردی یکپارچه، غایت‌مدار و فطری‌محور را ارائه می‌دهد. این منظومه، رشد را فرآیندی هدایت‌محور تعریف می‌کند که در آن شکوفایی توانمندی‌ها منوط به حضور ولی و سرپرست است و هدف نهایی آن، دستیابی به نفع حقیقی و سوق یافتن به شکر است. این دیدگاه، به‌ویژه در تأکید بر ابعاد معنوی و فطری رشد (که در قالب مفاهیم رشد و بلوغ در قرآن تبیین می‌شود)، با نظریات غالب غربی تفاوت بنیادین دارد و با رویکردهای اسلامی در روانشناسی که بر اهمیت مبانی دینی تأکید دارند، مانند پژوهش قائمی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، همسو است.

مؤلفه‌های استخراج‌شده، اگرچه ممکن است در ظاهر با برخی ابعاد نظریه‌های غربی (مانند رشد عاطفی یا رشد زبان) همپوشانی داشته باشند؛ اما در باطن و عمق مفهومی، از دیدگاه قرآنی معنای متفاوتی پیدا می‌کنند. نظریه‌های رایج در ارزیابی رشدی کودکان اغلب بر ابعاد زبان دریافتی و بیانی، مهارت‌های حرکتی و مهارت‌های خودیاری تمرکز دارند (وایتزمن و وگنر، ۲۰۱۵)؛ در حالی‌که این پژوهش، کلام را با ابعاد هفت‌گانهٔ ساختاری آن یعنی لحن، کلمه، قید، کلام، فصل، شرط، برانگیختن و انتقال توجه، به‌عنوان ابزاری برای سنجش جامع رشد مطرح می‌کند که می‌تواند مفاهیم معنوی و فطری را نیز دربرگیرد.

این یافته‌ها با برخی نظریه‌های رشد غربی، از منظر کاربرد زبان و ارتباطات، هم‌راستا هستند:

✦ **رشد اجتماعی:** زبان در بستر مکالمات دوجانبهٔ کودک و مراقب شکل می‌گیرد، که فرآیندی محوری در اجتماعی‌شدن و اکتساب مهارت‌های ارتباطی است (اوزن، ۲۰۲۰).

✦ **رشد هیجانی:** رشد زبان، یکی از مهم‌ترین پایه‌های رشد هیجانی بوده که هم بر شیوهٔ تجربهٔ هیجان و هم بر ادراک آن اثرگذار است (لیندکوئست^۱، مک کورمک^۲ و شابلاک^۳، ۲۰۱۵).

✦ **رشد حرکتی:** کلام به‌عنوان یک رفتار پیچیده، نیازمند هماهنگی‌های حرکتی در حیطهٔ زبان است

1. Lindquist

2. maccormac

3. Shablack

(اونز، ۲۰۲۰)؛ ظهور مهارت‌های حرکتی جدید نیز تجارب کودک در تعامل با اشیاء و افراد را تغییر داده و در رشد ارتباطی و اکتساب زبان حائز اهمیت است (ایورسون^۱، ۲۰۱۰).

✦ **ساختار زبان:** کلام در منظومه قرآنی، سیستم پویای چندبُعدی شامل سیستم صوتی، واژگان، معناشناسی، دستور زبان و زبان عملی^۲ است؛ که تعامل مؤثر فرد را فراهم می‌کند (کانتی-رامسدن و دورکین، ۲۰۱۲). شناسایی دو عامل محوری فهم کلمه‌ای و فهم گزاره‌ای در ساختار کلام کودک، با پژوهش‌های مربوط به ساختار زبان در دو حیطه زبان درکی^۳ و زبان بیانی^۴ همسو است (هالم^۵ و همکاران، ۲۰۲۰؛ اسنولینگ^۶ و هالم، ۲۰۲۱).

اهمیت این یافته‌ها زمانی بیشتر می‌شود که به چالش‌های موجود در ابزارهای سنجش رشد کودکان توجه شود. بسیاری از مقیاس‌های موجود، عمدتاً در کشورهای غربی ساخته شده‌اند و از نظر فرهنگی و بافتی، تفاوت چشمگیری با جوامع اسلامی دارند (رائو^۷ و همکاران، ۲۰۱۳). فقدان ابزارهای بومی و متناسب با مبانی اسلامی، یک خلأ جدی در روانشناسی رشد و تربیت اسلامی ایجاد کرده است. نتایج این پژوهش با استخراج مؤلفه‌هایی بر پایه منظومه رشد قرآنی، گامی بنیادین در جهت پرکردن این خلأ برداشته و مبنای نظری لازم برای ساخت مقیاس‌هایی با رویکرد اسلامی را فراهم می‌آورد. این ابزارها می‌توانند توسط والدین و مربیان نیز به راحتی مورد استفاده قرار گیرند و به متخصصان، والدین و مربیان کمک کنند تا تصویری دقیق‌تر از رشد کودک براساس آموزه‌های دینی داشته باشند و برنامه‌های تربیتی مؤثرتری را طراحی کنند. وجه تمایز اصلی مقیاس تحولی کلام طیب این است که ابعاد رفتاری، هیجانی، شناختی و توجهی کودک را براساس سیر شکل‌گیری کلام ارزیابی می‌کند. این رویکرد، نه تنها توانایی‌های مادی رشد را می‌سنجد؛ بلکه غایت رشد در دوره اول، که همان طیب‌گرایی (میل به پاکی و خیر) است را نیز دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال، ابراز رفتاری و عواطف طیب در لحن کودک نمود می‌یابد، فعال شدن حواس با خزانه لغات طیب کودک ارتباط دارد و شکل‌گیری مفاهیم سببیت، مالکیت، محدودیت‌های زمانی و مکانی، و فهم تمایز با انواع قید در کودک شکل می‌گیرد. همچنین، نوع مواجهه‌ای که کودک در معرض آن قرار گرفته، در افعالی که به کار می‌برد، قابل ردیابی است. میزان فعال شدن تفکر کودک نیز در عطف و فصل و توان استفاده از کلام به صورت پیوسته یا متمایز قابل مشاهده است، در حالی که جهت و

1. Iverson
2. Pragmatics
3. receptive
4. expressive
5. Hulme
6. Snowling
7. Rao

شرط، تعاریف و گزاره‌های ذهنی کودک را نشان می‌دهد و خودگردانی با فعال‌شدن توجه او مرتبط است. این نظریه با هریک از نظریات کلان رشد، نقاط هم‌راستایی دارد:

♦ **نظریه اریکسون:** شکل‌گیری اعتماد، خودمختاری و ابتکار در دوره کودکی، با شکل‌گیری مفهوم ولایت و حس کرامت در منظومه رشد قرآنی هماهنگ است.

♦ **نظریه پیاژه:** سیر حرکت از حس محوری به رشد شناختی انتزاعی و تابع بودن رشد زبان از رشد سایر ابعاد وجودی کودک، کاملاً با این نظریه همسو است.

♦ **نظریه ویگوتسکی:** مفاهیمی مانند یادگیری اکتشافی هدایت‌شده، حوزه تقریبی رشد، مراحل تحول گفتار و رشد زبان، و نقش گفتار در خودگردانی، با این نظریه همسو هستند.

♦ **نظریه کلبگ:** تحول اخلاقی همزمان با تحول شناختی و تابع تراز تحول شناختی و توانایی فهم نقطه‌نظر دیگران، با دیدگاه حاضر همخوانی دارد.

♦ **نظریه برنر:** هماهنگی با دیدگاه زیست‌بوم‌شناختی برنر از جهت رشد در یک سیستم پیچیده از روابط.

در نهایت، منظومه رشد قرآنی، ریشه در مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی توحیدی دارد و وجه تمایز اصلی آن، در نظر گرفتن رشد ابعاد ملکوتی انسان در کنار ابعاد طبیعی او است. غایت رشد در دوره کودکی از دیدگاه این نظریه، فعال‌شدن حواس، عواطف و تفکر کودک در بستری از «طبیات» تا رسیدن به «طیب‌گزینی» در کودک است. در این دیدگاه، رشد «کلام طیب»، هم نمایان‌کننده میزان تحول مؤلفه‌های رشدی کودک است و هم می‌تواند موجب رشد و ارتقای سایر مؤلفه‌ها گردد.

این پژوهش نشان می‌دهد که منظومه رشد قرآنی، ظرفیت بالایی برای ارائه یک چارچوب جامع و یکپارچه در تبیین ابعاد مختلف رشد شناختی، اجتماعی، هیجانی و معنوی از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ دارد. جامع و همگرا بودن، ایجاز و تبیین‌کنندگی، از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظریه رشد محسوب می‌شود. در بحث نقش وراثت در برابر تربیت، هر دو عامل را مهم دانسته و تعامل آنها را عامل تحول می‌داند. ویژگی مهم این تعامل، انعطاف‌پذیری و قابل جبران بودن کاستی‌های هریک از این عوامل در دوران رشد است که تحت‌تأثیر ساختار ولایت در این نظام بوده و بدین معنا است که تا انتهای دوران رشد و حیات، فرصت جبران کاستی‌های رشدی وجود دارد. این نظریه به‌عنوان یک چارچوب همگرا و یکپارچه، می‌تواند خلأ موجود در روانشناسی رشد را پر کند و به بهبود بهزیستی و تربیت کودکان در جامعه، کمک شایانی نماید.

منابع

قرآن کریم.

- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲). دوره‌های رشد تفکر اجتماعی؛ پیش از تولد تا تکلم. نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۳). فرایندشناسی رشد. نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۸ الف). با کودکان خود طیب سخن بگوییم؛ ویژه محققان کودک. نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- اخوت، احمدرضا؛ ادیب، مریم (۱۳۹۸ ب). سند بایسته‌های کودک طیب. نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- اخوت، احمدرضا؛ فیاض، فاطمه (۱۳۹۵). کتاب مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طیب‌گزینی. نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- قائم‌مقدم، محمدرضا؛ نوذری، محمود؛ داوودی، محمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۴). بررسی مراحل تحول براساس منابع اسلامی. *روانشناسی و دین*، ۸(۴)، ص ۲۳-۴۲.
- محمدی، مسعود؛ ویسی رایگانی، علی‌اکبر؛ جلالی، رستم؛ قبادی، اکرم؛ عباسی، پروین (۱۳۹۷). شیوع اختلالات رفتاری در کودکان ایران. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۸ تا ۷ سال، ص ۱۸۱-۱۹۱.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Atin, F., Punaji, S., Dedi, K. & Henry, P. (2024). Development and validation of assessment tools for literacy and numeracy skills in early childhood education. *International Journal of ADVANCED AND APPLIED SCIENCES*, 11(5), p. 200–208.
<https://doi.org/10.21833/ijaas.2024.05.022>
- Berk, L.E. (2018). *Development through the lifespan*. 7th ed. Pearson Education.
- Conti-Ramsden, G. & Durkin, K. (2012). Language Development and Assessment in the Preschool Period. *Neuropsychology review*, 22(3), p. 263–274.
<https://doi.org/10.1007/s11065-012-9208-z>
- Hulme, C., Snowling, M.J., West, G., Lervåg, A. & Melby-Lervåg, M. (2020). Children's language skills can be improved: lessons from psychological science for educational policy. *Current Directions in Psychological Science*, 29(4), p. 372–377.
<https://doi.org/10.1177/0963721420935515>
- Iverson, J.M. (2010). Developing language in a developing body: The relationship between motor development and language development. *Journal of Child Language*, 37(1), p. 229–261.
- Juwariah, T., Suhariadi, F., Soedirham, O., Priyanto, A., Setiyorini, E., Siskaningrum, A., Adhianata, H. & Fernandes, A.D.C. (2022). Childhood adversities and mental health problems: A systematic review. *Journal of Public Health Research*, 11(3).
<https://doi.org/10.1177/22799036221106613>
- Lindquist, K.A., McCormack, J.K. & Shablack, H. (2015). The role of language in emotion: predictions from psychological constructionism. *Frontiers in Psychology*, no. 6, p. 444.

- <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.00444>
- Miller, P.H. (2022). Developmental theories: Past, present, and future. *Developmental Review*, Vol. 66. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2022.101049>
- Okoli, C. & Pawlowski, S.D. (2004). The Delphi method as a research tool: an example, design considerations and applications. *Information & Management*, 42(1), p. 15–29.
- Overton, W.F. & Molenaar, P.C.M. (2015). *Handbook of child psychology and developmental science*. 7th ed. John Wiley & Sons, Inc.
- Owens, R.E. (2020). *Language Development: An Introduction*. 10th ed. Pearson Education.
- Qodirova, O.M. (2024). Basic concepts and preliminary concepts of developmental psychology. *American Journal of Social Sciences and Humanity Research*, 4(8), p. 297–299. <https://doi.org/10.37547/ajsshr/volume04issue08-22>
- Rao, N., Sun, J., Pearson, V., Pearson, E., Liu, J., Conostas, M. A. & Engle, P.L. (2013). Is parenting important for the development of young children in China? *Child Development*, 84(6), p. 1888–1906.
- Sacco, R., Camilleri, N., Eberhardt, J. & et al. (2024). A systematic review and meta-analysis on the prevalence of mental disorders among children and adolescents in Europe. *European Child & Adolescent Psychiatry*, no. 33, p. 2877–2894. <https://doi.org/10.1007/s00787-022-02131-2>
- Skulmoski, G.J., Hartman, F.T. & Krahn, J. (2007). The Delphi Method for Graduate Research. *Journal of Information Technology Education: Research*, 6(1), p. 1–21.
- Snowling, M.J. & Hulme, C. (2021). Annual Research Review: Reading disorders revisited - the critical importance of oral language. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 62(5), p. 635–653. <https://doi.org/10.1111/jcpp.13324>
- Weitzman, C. & Wegner, L. (2015). Promoting optimal development: screening for behavioral and emotional problems. *Pediatrics*, 135(2), p. 384–395. <https://doi.org/10.1542/peds.2014-3716>
- Wisudaningih, E.T. (2024). Histori psikologi perkembangan dan teori perkembangan anak. *BAHTSUNA: Jurnal Penelitian Pendidikan Islam*, 6(1), p. 68–76. <https://doi.org/10.55210/bahtsuna.v6i1.455>
- World Health Organization (2021). *Child health*.
URL= https://www.who.int/health-topics/child-health#tab=tab_3